



آموزش معکوس در راستای یادگیری بهتر و سریعتر

نام درس: دناى ادیب نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: بوستان (حکایت ۴)

پایه: چهارم - پنجم - ششم

مقطع: دبستان





حکایت

مگر دیده باشی که در باغ و راغ
یکی گفتش ای کرمک شب فروز
بین کآتشی کرمک خاک زاد
که من روز و شب جز به صحرا نیم

بتابد به شب کرمکی چون چراغ
چه بودت که بیرون نیایی به روز؟
جواب از سر روشنایی چه داد
ولی پیش خورشید پیدا نیم

باب سوم: در عشق و مستی و شور





شرح واژگان و دشواری ها

شب فروز: شب تاب
از سر روشنایی: از روی آگاهی
نیم: نیستم

راغ: مرغزار، سبزه زار
بیرون نیایی: بیرون نمی آیی
خاکزاد: خاکی-فروتن

مگر: شاید
چه بودت؟: چه اتفاقی برایت افتاده است
کآتشی: که آتشی



درک مطلب

۱- به گفته ی کرم شب تاب چرا او در روز، مشخص نبود؟

۲- به نظر شما پیام داستان چه بود؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>